

دکتر حسین سہراورد



موقعیت حقوقی مطالبات کارگر



مقدمه

هفتاد و نهمین اجلاس سازمان بین‌المللی کار (ILO) (۱) که در خرداد ماه سال جاری (ژوئن ۱۹۹۲) در مقر دفتر اروپائی سازمان ملل در ژنو برگزار شد پیش‌نویس مقاله نامه‌ای را در جهت حمایت از مطالبات کارگران تصویب کرد که بعنوان مقاله نامه بین‌المللی ۱۹۹۲ ژنو در مورد حمایت از مطالبات کارگران در صورت ناتوانی کارفرمایانشان موسوم شد (۲).

این مقاله نامه مشتمل بر سه بخش و چهارده ماده است بخش اول مقررات کلی در مورد روشهای مربوط به حمایت از مطالبات کارگران است بخش دوم، حمایت از مطالبات کارگران بوسیله ممتاز شناختن طلب آنها مطرح شده است و در بخش سوم از حمایت مطالبات کارگران بوسیله مؤسسه تضمین‌کننده پرداخت طلب آنها بحث شده است. توصیه‌نامه نیز در ۱۱ ماده نسبتاً مفصل راههای عملی و اجرائی بخشهای ۲ و ۳ مقاله نامه را ارائه و عمل بآنها را توصیه کرده است. کلیات این مقاله نامه و توصیه‌نامه در اجلاس ۷۸ سازمان بین‌المللی کار در سال گذشته (ژوئن ۱۹۹۱) مورد بررسی قرار گرفته بود و در اجلاس سال جاری

(1) - International Labour Organisation

(2) - Protection of Workers' Claims (Employer's Insolvency) Convention, 1992

شور در جزئیات آن انجام گرفت.

موضوع مزبور بعنوان چهارمین موضوع دستورکار اجلاس سال جاری سازمان بین‌المللی کار در کمیته مربوط به مطالبات کارگران مورد بررسی قرار گرفت، کمیته مزبور معمولاً از ۱۷۰ نفر تشکیل می‌شد که ۶۶ نفر نماینده دولت ۴۸ نفر نماینده کارفرما و ۵۶ نفر نماینده کارگران بودند. در کمیته طی ۱۲ جلسه مواد و بندهای مقاله‌نامه و توصیه‌نامه یک‌پیک مطرح و مورد بحث اعضاء قرار میگرفت و پیشنهادات ارائه شده مطرح و پس از بحث کافی با روش مخصوص رأی‌گیری میشد و سرانجام مصوبه کمیته به جلسه عمومی سازمان بین‌المللی کار ارائه و مورد تصویب قرار گرفت. هدف از تصویب این مقاله‌نامه حفاظت و حمایت هرچه بیشتر از کارگران و تأمین طریق اطمینان بخش جهت دریافت دستمزد آنهاست. که در صورت اعسار و ورشکستگی کارفرما و ناتوانی او از پرداخت مزد کارگران، آنان را که اعاشه‌شان از طریق صرف نیروی کاریشان باید تأمین شود دچار مشکل مینماید. در مقدمه مقاله‌نامه فوق‌الذکر آمده است با توجه به اهمیتی که حمایت از مطالبات کارگران در صورت اعسار و ناتوانی کارفرما دارد و با توجه به تحولاتی که در قوانین و رویه عملی بسیاری از کشورهای عضو سازمان جهانی کار در زمینه اعاده حیثیت کارفرمای ورشکسته پدید آمده و با توجه به پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی که اعسار کارفرما دارد، کنفرانس جهانی کار، تصمیم گرفت، استانداردهای جدیدی را جهت حمایت از مطالبات کارگران تصویب نماید.

البته این مقاله پس از تصویب آن در هر کشور عضو وفق مقررات داخلی قابل اجراءست و میدانیم که طبق اصل ۷۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «عهدنامه‌ها و مقاله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی باید بتصویب مجلس شورای اسلامی برسد».

بنابراین مقاله‌نامه مزبور نیز برای لازم‌الاجرا شدن باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد و چنانچه تصویب شد بر مبنای آن قوانین و مقرراتی وضع یا اصلاح شود.

نظر به اهمیت موضوع و قابل توجه بودن و سابقه‌ای که این امر در مقاله‌نامه‌های بین‌المللی و در قوانین داخلی دارد و بحثی که از نقطه نظر انطباق برخی مقررات آن با موازین شرع اسلام وجود دارد و طبعاً در جریان تصویب آن مطرح

خواهد شد بر آن شدیم به اجمال و اختصار موضوع را مطرح و فتح بایی بنمائیم، تا صاحب نظران مطالعه و تحقیقی در این زمینه بنمایند و نظرات خوب و راهگشائی را ارائه دهند.

نکته اصلی بحث، ممتاز بودن و تقدم طلب کارگر بر سایر بدهیهای کارفرماست باید دید جایگاه این مطلب در حقوق داخلی ما و موازین اسلامی که زیربنای قوانین و مقررات ما را تشکیل میدهد چیست؟ اساساً دیونی را بعنوان دیون ممتاز، قلمداد کردن و برخی طلبکاران را بر برخی دیگر مقدم داشتن، توجیه منطقی و شرعی دارد یا خیر؟

در این مقال مختصر، اظهار نظر قطعی بعمل نیاید بلکه عمده هدف طرح موضوع و جلب نظر صاحب نظران است، چون اهمیت بین المللی این قضیه و سروکار داشتن و درگیر بودن خواهی نخواهی دولت ما نیز بعنوان عضوی از سازمان ملل و سازمان بین المللی کار و نیز اهمیت ذاتی خود موضوع از لحاظ وضع کارگران داخلی، اقتضای بذل توجه بیشتر باین امر را مینماید.

بهر حال مطلب را در سه بند بشرح زیر مطرح مینمائیم:

۱- موقعیت مطالبات کارگر در مقاله نامه های بین المللی-

مقاله نامه شماره ۹۵ راجع به حمایت از مزد مصوب سال ۱۹۴۹ سازمان بین-

المللی کار.

ماده ۱۱ مقاله نامه مزبور در زمینه حق تقدم داشتن مزد کارگر نسبت به سایر

دیون مقرر میدارد:

ماده ۱۱-۱- «در مورد ورشکستگی یا تصفیه قانونی یک مؤسسه کارگران مربوطه بابت سزدی که در مقابل خدمات انجام شده در دوره قبل از ورشکستگی یا تصفیه طلبکارانند و تاریخ دوره مزبور را قوانین ملی مقرر خواهد داشت و یا بابت سزدی که از میزان معینی که قوانین ملی مقرر داشته اند تجاوز نمیکند در عداد بستانکاران ممتاز محسوب میشوند.

۲- مزد چون در عداد دیون ممتازه میباشد باید تمام و کمال قبل از آنکه

طلبکاران عادی سهم خود را دریافت دارند پرداخت گردد.

۳- حق تقدم دیون ممتاز نسبت به سایر دیون باید بموجب قوانین ملی معین گردد.»

چنانکه ملاحظه میشود در این مقاله نامه، اجمالا مزد کارگر در عداد دیون

ممتاز شمرده شده ولی این که چه میزان از مطالبات کارگر و یا برای چه مدت، طلبش ممتاز محسوب میشود در مقاوله نامه تعیین تکلیف نشده و تعیین آن به قانون ملی هر کشوری موکول شده است.

در خصوص درجه تقدم طلب کارگر یعنی مرتبه آن بین سایر دیون ممتازی که احیاناً ممکن است وجود داشته باشد نیز مشخص کردن آن به قانون ملی هر کشوری واگذار شده و مقاوله نامه خود درجه تقدم را تعیین نکرده است.

مقاوله نامه بین المللی ۱۹۹۲ راجع به حمایت از مطالبات کارگران در صورت اعسار کارفرما

در این مقاوله نامه که در مقدمه اجمالاً از آن سخن به میان آمد مقررات مشروح تری در زمینه تضمین پرداخت مطالبات کارگران وضع شده است، طبق این مقاوله نامه میتوان بدو طریق از مطالبات کارگران حمایت کرد:

۱- بوسیله حق تقدم قائل شدن برای مطالبات کارگر بر دیون دیگر کارفرما، ماده ۵ مقاوله نامه مقرر میدارد، «در صورت اعسار کارفرما مطالبات کارگران ناشی از کار بوسیله داشتن حق تقدم مورد حمایت قرار میگیرد.»

۲- بوسیله مؤسسه ای که به نحوی پرداخت مطالبات کارگر را تضمین نماید. ماده ۹ مقاوله نامه مقرر میدارد: «ممکن است پرداخت مطالبات ناشی از کار کارگران بوسیله مؤسسه ای تضمین شود، در صورتیکه بلعاز اعسار کارفرما، امکان پرداخت آن مطالبات وجود نداشته باشد.»
و در ماده ۱۰ میگوید:

تشکیل این مؤسسه و ترتیب اداره آن و اقدامات مناسبی که باید برای جلوگیری از سوءاستفاده از این نهاد بعمل آید به ترتیبی است که مقررات داخلی هر کشور تعیین مینماید، البته در این زمینه با نمایندگان سازمان های کار فرمائی و کارگری نیز مشورت میگردد (مستفاد از مواد ۹ و ۱۱).
در ماده ۷ توصیه نامه روشهای عملی مختلفی برای انجام این امر ارائه و توصیه شده است.

بهرحال در مورد طریق اول یعنی حق تقدم قائل شدن برای مطالبات کارگر، برخلاف مقاوله نامه ۱۹۹۲ در این مقاوله نامه درجه تقدم مطالبات کارگر تعیین

شده و موکول به قانون داخلی نگردیده است بند ۱ ماده ۸ مقرر می‌دارد: «قوانین یا مقررات ملی باید مطالبات کارگران را در بین سایر دیون ممتازه در بالاترین رده قرار دهند...» و در ماده ۶ تصریح شده که مطالبات کارگر که باید به آن حق تقدم داده شود باید حداقل مطالبات مربوط به سه ماه قبل از اعسار کارفرما یا انقطاع رابطه کاری را شامل شود.

۲- موقعیت مطالبات کارگر در قوانین و مقررات داخلی

از نظر مقررات داخلی، قوانین مختلفی داریم که برای مطالبات کارگر امتیاز قائل شده و آن را در عداد دیون ممتازه قرار می‌دهند که اجمالاً سیری در آنها می‌نماید قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب تیرماه ۱۳۱۸. ماده ۵۸ قانون مزبور پس از آنکه بستانکاران دارای وثیقه را بر سایر بستانکاران ورشکسته مقدم می‌دارد سایر طلبکاران را به پنج طبقه تقسیم می‌کند که به ترتیب باید طلب آنها پرداخت شود و حقوق خدمه خانه و خدمتگزاران بنگاه و کارگران روزمزد و هفتگی را در طبقه اول قرار می‌دهد که قبل از دیگران باید طلب آنها پرداخت شود.

ذیل ماده ۵۸ مقرر می‌دارد: «... طلبهائی که دارای وثیقه نیست و همچنین باقی مانده طلبهائی که دارای وثیقه بوده و تمام آن از فروش وثیقه پرداخت نشده به ترتیب طبقات زیر بر یکدیگر مقدمند و در تقسیم نامه حاصل فروش اموال متوقف، این تقدم رعایت و قید می‌شود:

طبقه اول

الف- حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف

ب- حقوق خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای مدت شش ماه قبل از توقف

ج- دستمزد کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می‌گیرند برای مدت ۳ ماه قبل

از توقف(۱).

در ماده ۲۲۶ قانون امور حسبی مصوب تیرماه سال ۱۳۱۹ نیز در مورد طلبکاران متوفی همین ترتیب رعایت شده و افراد فوق‌الذکر در طبقه اول قرار گرفته‌اند(۲).

۱- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۸ روزنامه رسمی ص ۴۶۴.

۲- مجموعه قوانین سال ۱۳۱۹ روزنامه رسمی ص ۶۲.

در قانون مربوط به کارگران و کارفرمایان مصوب تیرماه ۱۳۲۸، مزد کارگران در عداد دیون ممتازه شمرده شده است.

ماده ۱۱ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «مزد کارگران در عداد دیون ممتازه کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض حتی دیون مالیاتی تأمین و پرداخت شود...»^(۱).

قانون کار مصوب اسفندماه ۱۳۳۷ نیز صریحاً مطالبات مربوط به مزد کارگران را در عداد دیون ممتازه قرار داده است. ماده ۲۴ قانون مزبور مقرر می‌دارد: «مزد کارگران در عداد دیون ممتازه کارفرما بوده و باید قبل از سایر قروض حتی دیون مالیاتی تأمین و پرداخت شود...»^(۲).

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۱ نیز قانون الحاق دولت ایران به مقاوله‌نامه بین‌المللی شماره ۹۵ راجع به حمایت از مزد تصویب شد که بشرحی که قبلاً گفتیم، ماده ۱۱ مقاوله‌نامه مزبور، مطالبات مربوط به مزد کارگر را در عداد دیون ممتازه قلمداد می‌کند.

قانون کار جمهوری اسلامی ایران مصوب آبان‌ماه ۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز، متعرض این موضوع شده و تبصره ۱ ماده ۱۳ آن تصریح می‌نماید: «مطالبات کارگر جزء دیون ممتازه بوده و کارفرمایان موظف می‌باشند بدهی پیمانکاران به کارگران را برابر رأی مراجع قانونی از محل مطالبات پیمانکار منجمله ضمانت حسن انجام کار پرداخت نمایند»^(۳).

عدم ذکر این موضوع در مبحث مربوط به مزد و ذکر آن در ذیل ماده ۱۳^(۴) که مربوط به نحوه عمل مقاطعه‌کار و تعهد او در انجام مقررات مربوط به این قانون است، این توهم را به وجود آورده که قانون بطور مطلق، مطالبات کارگر را جزء دیون ممتازه نمی‌شمارد بلکه فقط مطالبات ناشی از پیمانکاری در عداد دیون ممتازه

۱- مجموعه قوانین سال ۱۳۲۸ چاپ روزنامه رسمی ص ۷۴.

۲- مجموعه قوانین سال ۱۳۳۷ روزنامه رسمی ص ۷۱۵.

۳- قانون کار جمهوری اسلامی ایران، نشریه مؤسسه کار و تأمین اجتماعی.

۴- ماده ۱۳: «در مواردی که کار از طریق مقاطعه انجام بیاید، مقاطعه‌دهنده مکلف است قرارداد خود را با مقاطعه‌کار به نحوی منعقد نماید که در آن مقاطعه‌کار متعهد گردد که تمامی مقررات این قانون را در مورد کارکنان خود اعمال نماید».

هست، ولی بنظر میرسد، این توهم بیجا باشد، زیرا تبصره ماده ۱۳ بعنوان یک حکم کلی و مسلم میگوید مطالبات کارگر جزء دیون ممتازه است و بعد نحوه پرداخت مطالبات او را در مورد پیمانکار با توجه به این حکم کلی مفروغ عنه و متفرع بر آن بیان میدارد، فعلا ما در صدد بحث در این موضوع از این حیث نیستیم^(۱).

باری سیر مسئله مطالبات کارگر و موقعیت آن را از جهت حق تقدم داشتن بر سایر دیون در قوانین و مقررات ایران بررسی کردیم و اینک نظری به مبانی شرعی این مسئله بیافکنیم و اصولا به بینیم از لحاظ شرعی میتوان بعضی از دیون را به عنوان دیون ممتازه قلمداد کرد و در صورت عدم تکافوی دارائی بدهکار برخی از طلبکاران را بر برخی دیگر مقدم داشت یا خیر؟

موقعیت مطالبات کارگر

از لحاظ مبانی فقهی

(بررسی فقهی دیون ممتازه)

ابتدا یادآوری میکنیم که فقهای شورای نگهبان در رابطه با قانون کار، ممتاز شمردن مطالبات کارگر را خلاف موازین شرع اعلام کردند. ماده ۱۳ لایحه قانونی کار مصوب آبان ماه ۱۳۶۶ مجلس شورای اسلامی مقرر میداشت:

«در مواردی که کار از طریق مقاطعه انجام مییابد، مقاطعه دهنده، مکلف است قرارداد خود را با مقاطعه کار بنحوی منعقد نماید که:

الف- مقاطعه کار متعهد گردد که تمامی مقررات این قانون را در مورد کارکنان خود اعمال نماید.

ب- ده درصد از بهای کل کار مورد مقاطعه بعنوان ضمانت نزد مقاطعه دهنده

۱- البته ماده ۱۳ قانون کار و تبصره آن بگونه‌ای که ابتدا در مجلس شورای اسلامی تصویب شد، صرفاً نوعی امتیاز برای مطالبات کارگران در مورد مقاطعه کاری پیش‌بینی کرده بود که شورای نگهبان بشرحی که در متن بیان شده آن را مغایر موازین شرع اعلام کرد ولی بعد از آنکه قانون در مجمع تشخیص مصلحت مطرح شده و مجمع تشخیص تبصره ۱ ماده ۱۳ را با این عنوان کلی: «مطالبات کارگر جزء دیون ممتازه بوده و...» تصویب نمود، دیگر نباید در کلی بودن این حکم تردید کرد و آن را به مورد مقاطعه کاری اختصاص داد.

نگهداری شود و بازپرداخت این مبلغ سوکول به پرداخت کلیه مطالبات و حقوق کارگران مطابق قانون کار باشد.

تبصره ۱- در صورت تعطیل کارگاه یا ورشکستگی مقاطعه کار، مطالبات کارگران از محل وجه مذکور در بند (ب) پرداخت خواهد شد...
چنانکه سلاخه میشود در تبصره ۱ ماده ۱۳ نوعی حق تقدم برای مطالبات کارگرانی که با پیمانکاری، کار کرده‌اند پیش‌بینی شده است.

شورای نگهبان در نامه شماره ۹۸۵۵ مورخ ۱۹/۹/۱۳۶۶ خود به مجلس شورای اسلامی که ایرادات متعددی در ۷ بند بر قانون کار گرفت در بند چهارم آن نامه مرقوم داشت: «ماده ۱۳ تبصره یک، از لحاظ اینکه مطالبات کارگران را بر سایر دینان مقدم داشته شرعی نمیباشد...»

مبنای نظر فقهای شورا بر شرعی نبودن مقدم داشتن مطالبات کارگر بر سایر دینان این است که وجه و دلیل شرعی بر تقدم و ترجیح طلبکاری بر طلبکار دیگر وجود ندارد، چنانچه طلبکاری وثیقه داشته باشد طبعاً حق تقدم دارد ولی وقتی چند نفر از کسی طلبکار باشند و هیچکدام هم وثیقه نداشته باشند علی‌الاصول وجهی برای اینکه یکی را بر دیگری مقدم داشت و طلب او را زودتر و کاملتر پرداخت کرد وجود ندارد و بنابراین همه طلبکاران باید بر حسب سهم طلب خودشان از دارائی مدیون برداشت کنند.

همه بحث اینجاست که آیا هیچ جهتی وجود دارد که موجب امتیاز برخی از طلبکاران بر دیگران باشد مثلاً آیا وضع خاص گروهی از طلبکاران میتواند موجب شود که بیشتر تحت حمایت قانون قرار بگیرند و بر دیگر طلبکاران مقدم داشته شوند و یا نوع دارائی بجا مانده از مدیون و ارتباط و تعلقی که احیاناً با طلبکار خاصی داشته ممکن است موجب حق تقدم آن طلبکار شود، مطلبی است که باید مورد بررسی و کنکاش دقیق فقهی قرار گیرد.

تقدم گروهی از طلبکاران

بالحاظ وضع خاص آنان

در مورد فرض اول با تتبع ناقصی که در کتب و فتاوی فقهی بعمل آمدنظری که دلالت بر حق تقدم دسته خاصی از طلبکاران بنماید بچشم نخورد، بلکه ظاهر

کلمات فقها این است که جز در مواردی که طلبکار حق عینی نسبت به اموال بدهکار دارد (که تفصیل آن را بیان خواهیم کرد) طلبکاران بر یکدیگر ترجیحی ندارند و مال باقی مانده از بدهکار باید بالسویه به نسبت سهم هر طلبکار بین آنان تقسیم شود. معمولاً فقها در بحث مربوط به احکام مفلس، مطلبی تحت عنوان (اختصاص) مطرح میکنند منظور از اختصاص در واقع همان دین ممتاز است و در ذیل این عنوان میگویند از بین طلبکاران کسی که عین مال خودش را در میان اموال بدهکار ببیند، نسبت به آن مال از دیگر طلبکاران اولی است و میتواند عین مزبور را بردارد مثلاً کسیکه مالی را فروخته و ثمنش را طلبکار است اگر خریدار معسر و ورشکسته شد و عین مبیع نزد او موجود بود، طلبکار یعنی بایع میتواند عین مال فروخته شده خود را بردارد و لازم نیست در صف غرما قرار گیرد^(۱) و به نسبت طلبش از فروش اموال ورشکسته دریافت کند ولی کسانی که حق عینی ندارند نسبت به استیفاء طلب خود امتیازی بر یکدیگر ندارند^(۲).

در مورد طلبکاران متوفی حتی این امتیاز هم وجود ندارد و تمام طلبکاران در استیفاء طلبشان از ترکه میت به نسبت سهم خود مساوی هستند شیخ طوسی در کتاب نهاییه میفرماید: « و متی مات و علیه دین لجماعة من الناس تحاصوا ما وجد من ترکته بمقدار دیونهم و لم یفضل بعضهم علی بعض »^(۳) یعنی اگر کسی فوت کند و مدیون گروهی از مردم باشد، طلبکاران به نسبت دین خود از ترکه میت میبرند و هیچیک بر دیگری برتری ندارند.

حتی در مورد طلب زوجه بابت نفقه که با توجه به تاکیداتی که در مورد آن وجود دارد بنظر میرسد باید از وضعیت خاصی برخوردار باشد و بر مطالبات دیگر تقدم داشته باشد، در متون فقهی معتبر که مورد مراجعه قرار گرفت، بعنوان طلب ممتاز از آن یاد نشده است البته ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۱۳

۱- المطلب الرابع فی الاختصاص: من وجد من الغرماء عین ماله کان احق بها من غیره و ان لم یکن سواها... قواعد علامه از جامع المقاصد فی شرح القواعد جلد ۵ ص ۲۶۰.

۲- شرح لمعه جلد ۴ ص ۳۷.

۳- نهاییه شیخ طوسی ص ۳۱۰.

طلب زوجه بابت نفقه را بعنوان طلب ممتاز قلمداد نموده و مقرر میدارد: «زوجه در هر حال میتواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود...»

در بررسیهایی که ظرف ۱۳ سال بعد از انقلاب در مورد قانون مدنی بعمل آمده و موارد خلاف شرع آن حذف یا اصلاح شده است، این ماده از حذف و اصلاح، مصون مانده است، و این امر، در عین حال که نمیتواند دلیل بر انطباق ماده نامبرده با موازین فقهی باشد، چون مستقیماً تمام مواد قانون مدنی مورد بررسی و اظهار نظر فقهای شورای نگهبان قرار نگرفته، این شائبه را در ذهن ایجاد میکند که شاید، بدون پایگاه فقهی هم نباشد.

بهر حال ممکن است گفته شود وقتی در مورد نفقه زوجه آنهمه تأکیده شده و نظر شارع این بوده که در هر حال باید نفقه زوجه پرداخت شود و به تعبیر بعضی از فقهاء وقتی چند گروه واجب النفقه (یا نیازمندان به نفقه) وجود داشته باشند حق تقدم با نفقه زوجه است^(۱) چرا نتوان در صورت وجود چند طلبکار، طلب زوجه را مقدم داشت؟ منظور این نیست که باقیاس بمعنای مصطلح آن، حکم شرعی برقرار کرد، بلکه منظور ابداع این احتمال است که با توجه بعدم منع شرعی و با عنایت به مصالحی که در این خصوص بنظر میرسد که مبادا زوجه‌ای که بطور نوعی ارتزاق و اعاشه او از طریق شوهر تأمین میگردد، رها و بی پناه و بی نفقه بماند و تبعات منفی برای جامعه داشته باشد، ممکن است قانونگذار، طلب او را ممتاز قلمداد کند و همین وضع خاص او موجب تقدم طلبش بر سایر بستانکاران باشد هر چند ممکن است در موارد خاصی زوجه‌ای که بابت نفقه طلبکار است وضع مالییش از طلبکار دیگر بهتر باشد، اما وضع غالب و نوعی زوجه میتواند مجوز تشریح این حکم کلی یعنی تقدم طلب او بابت نفقه باشد.

نظیر همین احتمال را میتوان در مورد مطالبات کارگر مطرح کرد، یعنی چون

۱- مسالك الافهام جلد ۲ ص ۵۹۳: «اذا اجتمع علی الشخص الواحد محتاجون یلزمه الاتفاق علیهم فان وفی ماله او کسبه بنفقتهم فعليه نفقة الجميع والالم یف بالکل ابتداء بنفقة نفسه... فان فضل منه نفقة واحدة قدم نفقة الزوجة علی نفقة الاقارب...».

علی‌الاصول کارگر از طریق نیروی کاری که برای کار فرما مصرف میکند باید اعاشه کند و اختلال در پرداخت دستمزد او، اختلال جدی در زندگیش ایجاد میکند، با کسیکه در اثر قرض دادن یا انجام معامله و روابط تجاری مثلاً طلبکار است فرق میکند و لذا با وجودی که علی‌الاصول مدیون مکلف است بدهی خود را اداء کند ولی در مورد دستمزد کارگر بخصوص در روایات و کلمات فقها تأکید خاصی شده است و وجوب پرداخت مزد بدون تأخیر مورد تأکید قرار گرفته است بگونه‌ای که در روایت منقوله از پیامبر اکرم (ص) آمده است: باید مزد کارگر را قبل از اینکه عرقش خشک شود پرداخت نمود^(۱). و شیخ طوسی در نهاییه میگوید: همین که کارگر از کار فارغ شد واجب است بدون تأخیر مزد او را پرداخت نمود^(۲). قاعداً مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز که پس از اظهار نظر شورای نگهبان دایر بر منع تقدیم برخی از دیان بر برخی دیگر، تبصره ۱ ماده ۱۳ قانون کار را تصویب و ممتاز بودن طلب کارگر را تأیید نموده است، این حکم را از لحاظ شرعی بی‌سنا ندانسته و احتمالاً همین وضع خاص کارگر در مورد طلبش بابت مزد، و مصالح نوعی و اجتماعی موجب شد که وضع چنین حکم قانونی را مغایر سوازین شرع نداند و آن را تصویب کند.

تقدم گروهی از طلبکاران

بلحاظ نوع ارتباط آنها با اموال بدهکار

و اما در رابطه با فرض دوم یعنی نوع دارائی بجای مانده از بدهکار باید گفت در سوابق فقهی از این حیث برای برخی از طلبکاران حق تقدم در نظر گرفته شده است اساس این حق تقدم مربوط میشود به ارتباطی که بین طلبکار و دارائی بدهکار مفلس یا ورشکسته وجود دارد یعنی اگر بتوان برای طلبکار حق یا ارتباطی

۱- حدیث نبوی: اعطوا الاجیر اجره قبل ان یجف عرقه، الجامع الصغیر سیوطی جلد ۱ ص ۴۶، الشهاب، قاضی محمد خزاعی ص ۴۴۲ حدیث ۵۴۴.

۲- نهاییه شیخ طوسی ص ۴۴۸: «و اذا فرغ الاجیر من عمله وجب ان یوفی الاجرة فی الحال من غیر تأخیر».

با عین مال موجود نزد بدهکار برقرار دانست، طلبکار مزبور در جهت استیفاء طلب خود از عین آن مال بر دیگر طلبکاران مقدم است. غیر از طلبهائی که با وثیقه هستند و وضع آنها روشن است، بارزترین مصداق این امر که در تمام کتب فقهی در بحث مربوط به مفلس^(۱) و چگونگی تقسیم اموال او بین غرماء (طلبکاران) ذکر شده، موردی است که شخصی بابت مالی که بدیگری فروخته و ثمنش را نگرفته از او طلبکار است و بدهکار، ورشکسته یا مفلس، اعلام شده و در نتیجه باید اموالش بفروش رفته و به نسبت بین غرماء تقسیم شود در اینجا همانطور که قبلاً هم گفتیم اگر عین مال خریداری شده موجود باشد فروشنده آن مال که جزء طلبکاران است میتواند عین مال خود را بجای طلب خویش بردارد. در واقع میتوان گفت بدینوسیله میتواند معامله را فسخ کند و مبیع را به ملکیت خود برگرداند^(۲). در همین رابطه فروع مختلفی مطرح میشود که به برخی از آنها اشاره میکنیم:

- ۱- کسیکه مالی را بده دیگری قرض داده و بعد حکم افلاس مقتضی صادر شده در صورتیکه عین مال مورد قرض موجود باشد، قرض دهنده میتواند عین مال خود را بردارد و در واقع از این حیث نسبت به سایر غرماء حق تقدم دارد. (۳)
- ۲- در صورتیکه مستأجر، مفلس شود، موجر میتواند، نسبت به باقی مانده مدت، اجاره را فسخ کند^(۴).
- ۳- چنانچه مقداری از عین مبیع یا مال مورد قرض وجود داشته باشد، بایع و مقرض میتوانند همان مقدار را بردارند و تملک کنند و نسبت به بقیه طلب خود با سایر غرماء شریک شوند.

- ۱- بعنوان نمونه جواهر جلد ۲۵ ص ۲۹۵ تعریرالوسیله جلد ۲ ص ۱۹ مسالک الافهام جلد ۲ ص ۲۴۰ جامع المقاصد جلد ۵ ص ۲۶۰.
- ۲- ان كان من جملة مال المفلس عين اشتراها وكان ثمنها في ذمته كان البائع بالخيار بين ان يفسخ البيع و ياخذ عين ماله و بين الضرب مع الغرماء بالثمن ولو لم يكن له مال سواها. امام خمینی (ره) تعریرالوسیله جلد ۲ ص ۱۹ مسأله ۸.
- ۳- منبع پیشین ص ۲۰ مسأله ۱۳.
- ۴- همان منبع و جامع المقاصد جلد ۵ ص ۲۶۵ جواهر الکلام جلد ۲۵ ص ۳۰۹.

۴- اگر عین مبیع در مدتی که در دست مشتری است (که بعداً مفلس شده) نماء متصل پیدا کند مثل حیوان که چاق شود، فروشنده عین مبیع خود را میگیرد و آن نماء و زیادی نیز مال اوست ولی اگر نماء منفصل داشته باشد مثل اینکه عین مبیعه حیوانی باشد و زاد و ولد نموده و شیر داشته باشد این نماءات منفصله از آن مشتری و نتیجه متعلق حق غرماست و فروشنده میتواند اصل عین را بردارد^(۱).
 ۵- چنانچه مشتری مبیع را با چیز دیگری مخلوط کند مثلاً روغن را که خریده است با روغن دیگر یا جنس دیگر مخلوط نماید باز هم در صورت مفلس شدن او، حق بایع (طلبکار) نسبت به عین محفوظ است و به نسبت عین مبیع حق خود را میگیرد. در صورت امکان، آن را تقسیم میکنند و گرنه میفروشند و از قیمت آن بایع سهم خود را بر میدارد و بقیه متعلق حق غرماء دیگر قرار میگیرد^(۲).

۶- حتی اگر مبیع در اثر عملی که مشتری خود یا بوسیله دیگری روی آن انجام داده تغییر شکل و وضع پیدا کند مثل اینکه نخ ورشته بافته شود و بصورت پارچه در آید یا آرد بشکل نان در آید و یا پارچه شسته و رنگ شود. باز هم در صورت افلاس مشتری حق بایع نسبت به عین از بین نمیروند^(۳) النهایه اگر این تغییر وضع موجب افزایش قیمت مبیع شده باشد میتوان گفت مقدار افزوده از آن مفلس است زیرا این افزایش در اثر عمل و کار او ایجاد شده و از این راه عامل براین عین حق پیدا کرده است نتیجتاً آن زیادی متعلق حق سایر غرماء قرار میگیرد^(۴).

فروع و شقوق دیگری نیز در این زمینه مطرح است که ذکر همه آنها در این مقال موجب ملال میگردد ولی از آنها فهمیده میشود که بهر صورت و بهر نحو که بتوان گفت یکی از طلبکاران عین مالش داخل دارائی موجود شخص مفلس وجود دارد ولو تغییر شکل و وضع یافته و یا با چیز دیگری مخلوط شده وی نسبت به آن مال برای استیفاء طلبش حق تقدم دارد و قبل از غرماء دیگر میتواند

۱- منابع پیشین .

۲- جواهر الکلام جلد ۲۵ ص ۳۱۳.

۳- تحریر الوسیله جلد ۲ ص ۲۱ مسئله ۱۸ و جواهر الکلام جلد ۲۵ ص ۳۱۵ .

۴- جواهر الکلام جلد ۲۵ ص ۳۱۶، جامع المقاصد فی شرح القواعد جلد ۵ ص ۲۹۰.

از مال مزبور طلب خود را برداشت نماید.

آیا عمل کارگر در مال متعلق به کارفرما

برای او حق تقدم ایجاد میکند؟

علامه در کتاب قواعد فرع جالبی مطرح میکند که میتواند در زمینه بحث ما یعنی مبنای حق تقدم کارگر در مطالبات خود از کارفرما مورد استفاده قرار گیرد. مسئله‌ای که علامه مطرح میکند چنین است: اگر کسی لباسی خریده و کارگری را برای شستن آن اجیر کند و قبل از آنکه مزد کارگر را بدهد مفلس شود. در این صورت فروشنده (طلبکار) نسبت به عین لباس حق تقدم دارد. ولی چون کارگر در روی این مال (لباس) کار کرده بنابراین عملی که روی آن انجام داده مثل این است که حق عینی برای او ایجاد کرده است، حالا اگر در اثر عمل او قیمت مال زیاد نشده باشد حق تقدسی در مورد اجرت خود نسبت به عین مال ندارد و جزء سایر بستانکاران محسوب است ولی اگر در اثر عمل کارگر قیمت مال (در فرض مسئله لباس) افزایش پیدا کرده باشد میتواند عین مالش را در مقابل طلبش بردارد که در اینجا عین مال کارگر افزایش قیمتی است که در اثر عمل او در لباس ایجاد شده است بنابراین اگر، لباس، قبل از شستن ده درهم قیمت داشته و با شستن پنج درهم بر قیمت آن افزوده شد مزد کارگر هم یک درهم بوده است کارگر برای استیفاء یک درهم مزد خود در مورد این لباس حق تقدم دارد، ده درهم نیز مال فروشنده است که قیمت قبلی لباس بوده و چهار درهم باقی مانده متعلق حق سایر بستانکاران است.^(۱)

ملاحظه میکنیم علامه برای کاری که کارگر بر روی کالا و مال کارفرما انجام

۱- عین عبارت علامه را ملاحظه کنید: «ولوافلس قبل ایفاء الاجیر اجرة القصاره، فان الحقناها بالاعیان، فان لم تزد قیمته مقصورا علی ما کان فهو فائده عین ماله، وان زادت فکل من البائع والاجیر الرجوع الی عین ماله فلو ساوی قبل القصاره عشرة والقصاره خمسة والاجرة درهم، قدم الاجیر بدرهم والبائع بعشرة و اربعة للغرماء» جامع المقاصد فی شرح القواعد جلد

میدهد و موجب افزایش قیمت آن مال میگردد اعتبار حق عینی قائل شده و در صورت افلاس و ورشکستگی کارفرما برای وی همانند و بلکه مقدم بر طلبکار مالک اولیه عین مال (فروشنده) برای استیفاء طلب خود از بابت مزد، حق تقدم قائل شده است.

این مطلب را فقیه بزرگوار و صاحب نامی چون علامه حلی مطرح میکند و فقیه معتبری چون محقق کرکی با شرح و توضیح و رفع اشکال مطروحه از ناحیه بعضی که میگویند کارگر مالی ندارد تا حق تقدم داشته باشد، مطلب علامه را میپذیرد^(۱) و فخرالمحققین نیز در شرح خود آن را توجیه میکند و تبلور عمل کارگر بر روی مال کارفرما را در حکم داشتن عین مال و مشمول حدیث نبوی «من وجد عین ماله فهو احق بها» میدانند^(۲).

با توجه به مطالب فوق، بنظر میرسد، قرار دادن مطالبات کارگر در عداد دیون ممتازه خیلی هم در سوابق فقهی بی پایگاه نیست، و حداقل احتمال دارد که در برخی صور آن از فتوای معتبر فقهی برخوردار باشد. هدف از نگارش این مقاله همانطور که در ابتدا هم اشاره شد فقط طرح موضوع و جلب نظر صاحب نظران ذی صلاح به اهمیت قضیه و ارائه بحث و نظر استدلالی قوی در این زمینه است، امیدواریم اساتید بزرگوار فقه و حقوق بحث مستوفائی در این موضوع ارائه دهند که برای علاقمندان تحقیق گر مفید و برای دست اندرکاران اجرائی این مسائل، راهگشا باشد.

۱- جامع المقاصد جلد ۵ ص ۲۹۶: عبارت محقق کرکی در این زمینه چنین است: «... فلكل من البایع والاجریر الرجوع الی عین ماله، اما البایع فظاهر و اما الاجیر، فلان التفریح علی ان الصفة كالاعیان، فان قيل: لا مال له ان المال حمیئذ للمفلس، وهو نما یتستحق الاجرة. قلنا: انما حیث الحقنا الصفة بالاعیان، لم نرد بذلك كونها عینا فی الحقیقة تفرد بالاخذ والرد و انما اردناها مشبهة بالاعیان من بعض الوجوه، نظرا الی كونها مستقومة مقابلة بعوض، فكما لا توضع الاعیان علی مستحقها لاتضع هذه...»

۲- ایضاح لفوائد فی شرح القواعد جلد ۲ ص ۷۸.

